

۲۲ استان میزبان

فیلم‌های جشنواره فیلم کودک و نوجوان

آثار منتخب سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان برای اولین بار در همه استان‌های کشور روی می‌رود. محمدرضا فرجی مدیر امور استان‌های سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اعلام کرد که با استقبال سینماداران در همه استان‌ها، برای اولین بار آثار منتخب دوره سی‌وهشتم در ۳۱ استان کشور

راز ماندگاری نخستین موسیقی‌زندگی

عماد توحیدی: لالایی‌ها زمانی وارد زندگی ما شدند که هنوز حافظه را آگاهانه تجربه نکرده بودیم



لالایی‌های اولین موسیقی‌ای باشد که انسان می‌شود؛ بسیار پیش از آن‌که بداند موسیقی چیست، مادر نه شاعر است و نه خواننده، کودک هم هنوز زبان نمی‌داند، اما میان این دو، موسیقی اتفاق می‌افتد. عماد توحیدی، آهنگساز، نوازنده و پژوهشگر نامدار موسیقی، در تازه‌ترین اثر خود، «لالایی‌های دره پریان»، به همین نقطه آغاز برگشته است؛ به جای پیش از آموزش، پیش از تکنیک و شاید حتی پیش از حافظه. این آلبوم که تولید سال ۱۴۰۲ است، شامل هشت قطعه گل انار، موباب، بابونه، فردا، کبوتر، گل گندم، قطار و نخل است. قطعاتی که با اشعاری از شاعران معاصر و در فضای خاص موسیقی جنوب ایران ساخته و پرداخته شده‌اند. اما لالایی‌های دره پریان فقط یک آلبوم کودک نیست و بیشتر شبیه آوازهای یک سرزمین گمشده است؛ آوازهای سرزمینی که در آن شب، ماه، مادر، کودک، لالایی، خاطره، جنوب، دریا، خواب و خیال هم‌نشین هستند. با عماد توحیدی درباره این سرزمین گمشده گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ ■ ■

۱ اجازه دهید مصاحبه را با یک پرسش ساده شروع کنیم؛ چرا لالایی؟

چون شاید لالایی تنها موسیقی‌ای باشد که انسان پیش از آن‌که موسیقی را بفهمد، آن را تجربه می‌کند. کودک هنوز مفهوم «موسیقی» را نمی‌داند، اما آن را می‌شنود. هنوز نمی‌داند مادر چیست، اما امنیت رادر صدای گرم او تجربه می‌کند. لالایی برای من موسیقی پیش از موسیقی است؛ پیش از نت، پیش از ساز، پیش از آهنگسازی. زمزمه یک انسان برای انسانی تازه متولدشده در تاریکی شب، ساده، صمیمی و گرم.

۲ ولالایی‌را قدیمی‌تر از موسیقی می‌دانید؟

از یک جهت، بله. خلق موسیقی مبتنی بر آگاهی، نقطه عطفی در تاریخ هنر است؛ اما آواز خواندن برای آرام کردن کودک احتمالا به قدمت خود انسان است. در روزگاری که هنوز سازی ساخته نشده بود، مادران برای کودکان شان آواز می‌خواندند.

برای همین لالایی تنها یک «فرم» و «قالب» نیست؛ جلوه یک «غریزه انسانی» است. شاید به همین دلیل است که لالایی گاهی این‌قدر به نوعی سلوک معرفتی نزدیک می‌شود. چون مادر در لالایی متن مدونی را اجرا نمی‌کند، بلکه با فردیتی غریزی چیزی را زمزمه می‌کند که از دروشش می‌جوشد.

۳ اینجا به یک نکته جالب می‌رسیم. شما در آلبوم «دره پریان» را ساخته‌اید. این دره کجاست؟

بعد از انتشار آلبوم، از طریق دوستان متوجه شدم که دره پریان واقعا وجود دارد؛ منطقه‌ای کوهستانی و زیبا در اطراف کاشان. اما دره پریان این آلبوم در ذهن ماست؛ در کودکی ما و در آن بخش از وجودمان که هنوز منطق بزرگسالانه آن را اشغال نکرده است. من فکر می‌کنم هر انسانی یک سرزمین گمشده دارد. دره پریان همان سرزمین است.

۴ چرا گمشده؟

چون ما بزرگی می‌شویم و تصویری کنیم کودکی را پشت سر گذاشته‌ایم. اما در حقیقت، کودکی ما را پشت سرمی‌گذارد؛ همراه ما می‌آید و در حافظه عاطفی ما زندگی می‌کند. کودکی که از تاریکی می‌ترسید، بزرگ می‌شود و از آینده می‌ترسد. آن زمان دست مادرش را می‌گرفت؛ امروز شاید تلفنش را! اما نیاز به پناه، همان نیاز دیرین اوست. به همین دلیل ما هیچ وقت کاملا از کودکی خارج نمی‌شویم!

۵ پس این آلبوم درباره کودکی است، اما الزاما فقط برای کودکان نیست.

دقیقا. لالایی‌های دره پریان درباره کودکی است. این دو با هم خیلی فرق دارند. اگر برای کودک موسیقی بسازید، باید با او ساده

روی پرده خواهند رفت. در این دوره شاهد برگزاری جشنواره‌ای به‌گستره ایران خواهیم بود. ایجاد فضایی پرنشاط برای کودکان و نوجوانان به بهانه برگزاری جشنواره در این شرایط کشور، از جمله محورهای این دوره‌است و بر همین مبناییز ستاد برگزاری بادرخواست سینماداران برای نمایش آثار منتخب در همه استان‌ها موافقت کرد. براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده،

منتخب فیلم‌های بخش مسابقه در ۳۱ استان کشور و در قالب سانس‌های ویژه دانش‌آموزی به نمایش درخواهند آمد. اگران این آثار در سانس‌های صبح انجام می‌شود. در شهر تهران سینماهایی برای نمایش فیلم‌های منتخب جشنواره ویژه دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است که از جمله آنها می‌توان به سینماهای فرهنگ، موزه سینما، شاهد، فلسطین و... اشاره کرد.



سازها وقتی وارد موسیقی می‌شوند، باید با هوشیاری آهنگساز، شناسنامه‌شان را کنار بگذارند و به یک زبان سخن گویند؛ این‌که چند ساز از فرهنگ‌های گوناگون را کنار بگذاریم و نامش را موسیقی تلفیقی بگذاریم به‌شدت ساده‌انگارانه است. تلفیق واقعی وقتی اتفاق می‌افتد که روح نغمات برآمده از سازها در گپ‌وگفتی منسجم و زیباشناسانه به کار گرفته شوند. در خدمت یک نظام نشانگانی هنری مدون و مشخص!

۱ یکی از اتفاقات جالب درباره آلبوم، این است که قطعات آن پیش از انتشار، به نمایش‌های رباتیک و عروسکی، انیمیشن،

نماهنگ و کتاب کودک راه پیدا کرده‌اند. از ابتدا چنین جهان گسترده‌ای برای اثر در نظر داشتید؟

وقتی یک جهان ساخته می‌شود، طبیعتا فقط صدا نیست؛ تصویر، قصه، شخصیت و حرکت هم در آن شکل می‌گیرند. من دوست دارم مخاطب با هوش و گوش خود وارد جهان اثر شود. در آلبوم «کولی کوبی» سعی کردم مخاطب را به دنیای کولی‌ها ببرم. در آلبوم «قلندورا»، جهان قلندران را طبق برداشتی شخصی طراحی کردم. همین‌طور در «شمس جان» کوشیدم مخاطب رادر مخفل شمس ومولانا بنشانم و آلبوم دردست انتشارم «عباروار» که جهان موسیقایی تیره‌ای خیالی از عباران است. در مورد لالایی‌ها دره پریان هم گفتنی است جرقه ساخت آلبوم، حدود ۲۰ سال پیش در کارگاه طبقه‌بندی افسانه‌های ایرانی پرفسور اولریش مارزلف(Ulrich Marzloph) در دانشگاه گوتینگن آلمان رده شد.

کارگاه راجع به افسانه‌های پریان و جستارهای وابسته در فرهنگ عامه ایران بود و از همان زمان پریان گوشه ذهنم ماندند تا در این آلبوم برای کودکان لالایی بخوانند. این‌که در دو نمایش و انیمیشن و نماهنگ، صدای‌شان به‌یچ‌ها رسیدعالی است. حتی فکر می‌کنم ظرفیت‌هایی از این جهان هنوز کشف نشده است. برای من انتشار آلبوم پایان کار نیست؛ آغاز کار است. ملودی‌های



ادبیات

برگزاری آیین بزرگداشت

شمس و مولانا در انجمن مفاخر

محمود شالویی رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در آیین بزرگداشت شمس و مولانا که سه‌شنبه هفتم مهر در تالار اجتماعات شهید مطهری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد، با تشکر از حضور اساتید ایرانی و

نمایندگان فرهنگی کشورهای ترکیه، پاکستان، روسیه و رئیس مؤسسه فرهنگی اکو در این آیین گفت: حضور اساتید و چهره‌های فرهنگی از کشورهای مختلف در این رویداد، نشان‌دهنده جایگاه گسترده شمس و مولانا در جهان فرهنگ و اندیشه است. شمس و مولانا را می‌توان نه دو تن بلکه یک تن دانست. چنان‌که مولانا می‌گوید: «من کی‌ام لیلی و لیلی کیست من / هر دو یک روحیم در دندوبن». اگرچه این دو در ظاهر دو شخصیت بودند، در حقیقت میان آنان وحدتی عمیق شکل گرفته بود. شمس و مولانا هر دو در جست‌وجوی حقیقت بودند و گمشده‌ای در وجود خویش داشتند. سیدعلی اصغر میربقرایی فرد استاد زبان و ادبیات فارسی، علی‌اصغر شعردوست، دکتر محمد حسن رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، گوکان جتین کاباراین فرهنگی ترکیه و... برخی دیگر از سخنرانان این مراسم بودند.

کتاب

انتشار کتاب

«جمعیت تنها»

کتاب «جمعیت تنها» نوشته سهیلا علیرضازاد و الهام رحمت‌آبادی با تمرکز بر مفهوم زیست تنها به انواع تنهایی و شکل‌های بروز این پدیده اجتماعی پرداخته که ازسوی انتشارات اندیشه‌احسان منتشر شده است. در معرفی این کتاب که ۲۱۱ صفحه

راهی بازار کتاب شده، آمده است: تنهایی در دهه‌های اخیر بیش از گذشته در زندگی روزمره انسان‌ها ظاهر گشته و به یکی از موضوعات مورد توجه پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و انسانی و سیاستگذاران تبدیل شده است. نویسندگان کتاب در این اثر بیشتر بر یک گروه اجتماعی که «یست‌تنها» را به‌مثابه سبک زندگی انتخاب کرده یا ناگزیر از زیستن آن شده‌اند، تأکید دارند. در بخشی از کتاب با اشاره به دیدگاه مگی فرگوسن درباره تنهایی آمده است: «تنهایی جذام قرن بیست و یکم است که قربانیان خود را ذره ذره می‌خورد و از بین می‌برد. انسان تنها متولد می‌شود و تنها می‌میرد اما در فاصله این دو رخداد، به‌طور معمول در اجتماع می‌زید. در زندگی اجتماعی نوین، تنهایی به‌اشکال مختلفی بر انسان وارد می‌شود.

همین امر سبب شده برخی تنهایی‌را عمیق‌ترین واقعیت در جهان زیست بشری بدانند.»



فرهنگ

CULTURE

پنجشنبه ۹ مهر ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۳۱

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر محمدحسین پورآیینی
ام‌یر حلقهٔ نظام‌پردازی اسلامی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

بازدارندگی درون‌زا؛ از آگاهی

جمعی تا شکست طراحی دشمن

در ادبیات مرسوم امنیت بین‌الملل، همواره مؤلفه‌های سخت نظامی و موازنه قوا، ارکان بنیادین بازدارندگی انگاشته می‌شوند؛ اما در صحنه واقعی منازعات پیچیده و جنگ‌های ترکیبی، پایدارترین لایه صیانت ملی، برپایی «بازدارندگی درون‌زا» در بستر بلوغ شناختی و اراده جمعی یک ملت است. فرارسیدن دویستمین روز از بعثت مردمی و استمرار حضور مسئولانه جامعه در صحنه، نمادی عینی از خنثی‌سازی راهبردهای مداخله‌جویانه و شکست پیوندشوم فشار خارجی و آشوب داخلی است. در این نوشتار، ابعاد این موضوع به‌اختصار و در قالب چند نکته بررسی می‌شود:

۱. دولت تروریستی آمریکا و اذئاب آن، پس از ناتوانی در دستیابی به اهداف از طریق سازوکارهای نظامی، مرکز ثقل را به‌رود خود را بر شوک‌های اقتصادی، انسداد معیشتی، مسدودسازی کانال‌های مالی و ایجاد عدم تعادل فراگیر در محیط داخلی متمرکز ساخته‌اند.

این سناریوی ترکیبی، به‌ویژه در قالب بسته‌های فشار اقتصادی، درصدد بوده است تا با ایجاد تکانه‌های ارزی و کالایی، آستانه صبر ملی را فرسوده کند و با ایجاد بحران‌های معیشتی دست‌ساز، ساختار سیاسی کشور را در موقعیت انفعال و تن‌دادن به شروط تحمیلی و نامشروع قرار دهد؛ بااین‌حال، هوشیاری شناختی و بلوغ تاریخی جامعه، محاسبات خطی اتاق‌های فکر واشنگتن را به بن‌بست کشانده و تاکنون مانع از تحقق این گسست اجتماعی و سلب تعادل ملی شده است، به‌گونه‌ای که دشمن در تبدیل فشار حداکثری اقتصادی به اهرم تسلیم راهبردی کاملاً ناکام مانده‌است.

۲. نقطه‌کانونی آگاهی جامعه در این مقطع تاریخی، توانایی تفکیک دقیق و هوشمندانه میان دشواری‌های عینی اقتصادی با منافع بنیادین، استقلال سرزمینی و تمامیت ارضی کشور است.

جامعه‌ها در ک عمیق‌از خطرات ژئوپلیتیکی و آگاهی‌از الگوهای رفتاری قدرت‌های سلطه‌گر، به‌خوبی دریافته‌که هدف حریف نه پاسخ به مطالبات رفاهی، بلکه تجزیه کشور و انهدام امنیت فراگیر است؛ از همین رواج‌زه ن داده‌است بسترهای نارضایتی طبیعی و دغدغه‌های معیشتی به سوخت موتور پروژه‌های براندازی، شبکه‌های نیابتی، گروهک‌های مزدور و عوامل آموزش‌دیده دشمن تبدیل‌شود.

۳. ۲۰۰ روز بعثت مردمی، منطق فضا و هندسه صحنه نبرد را به سود امنیت ملی دگرگون ساخت؛ عرصه‌ای که دشمن با سرمایه‌گذاری هفگفت تبلیغاتی درصدد تسخیر آن برای القای بی‌ثباتی فراگیر، بحران مشروعیت و ایجاد توجیه میدانی جهت تحصیل ضربات خارجی و اقدامات مداخله‌جویانه بود، به‌نماد عینی استحکام درونی، اقتدار هویتی و مانور باشکوه همبستگی ملی بدل‌شد.

این حضور مستمر، هوشیارانه و خودانگیخته در خیابان‌ها و تجمعات، همانند مؤثرترین واکنس اجتماعی عمل کرده که کالبد جامعه را در برابر ویروس عملیات روانی، رعب‌افزینی‌های کاذب، توهم فروپاشی و طمع‌ورزی دشمن برای تجاوز پیش‌دستانه کاملاً مصون ساخته است و استمرار این آرایش خیابانی، ابتکار عمل را در مدیریت صحنه همواره در دست مردم و نظام نگه می‌دارد. ثبات پایدار برآمده از این بعثت عمومی، معادلات تصمیم‌گیری دشمن را در شرایط خطیر و آستانه‌های کنونی کاملاً مختل و فلج کرده‌است.

طرف مقابل که در آستانه ضربه‌الجل‌های حساس سیاسی و انتخاباتی داخلی خود را بنجیره‌ای از شکست‌های راهبردی و تنگناهای حاد مالی و انرژی در منطقه مواجه شده، برای خروج از گرداب تحقیر به هرگونه پیروزی نمادین

یا دستاورد نمایشی محتاج است؛ اما انسجام درونی جامعه ایران هزینه هرگونه اقدام تجاوزکارانه، ضربه‌هوایی یا ماجراجویی نظامی را برای محاسبات دشمن به بالاترین سطح ممکن ارتقا داده که نشان‌دهنده این واقعیت بنیادین است: درونمایه قدرت ایران بر اراده مردمی استوار است که تهدید را با انسجام و بحران را با جهش پاسخ می‌دهند، در نهایت باید تأکید کرد که این بعثت مردمی و حضور آنان در خیابان‌ها، ثابت کرد امنیت پایدار یک کشور نه با تکیه بر وعده‌های شکننده بین‌المللی، بلکه از عمق آگاهی و پایداری درونی یک ملت سرچشمه می‌گیرد. در این مقطع حساس و شرایط آستانه‌ای، تداوم این بعثت عمومی و استمرار حضور هوشیارانه و شبانه مردم در خیابان‌ها و تجمعات، یک ضرورت قطعی و تکلیفی راهبردی برای صیانت از کشور است؛ چراکه حفظ و تقویت این آرایش مردمی در صحنه، مؤثرترین سد دفاعی برای ممانعت از وقوع جنگ، خنثی‌سازی تحرکات هسته‌های آشوب و تضمین ناکامی نهایی سناریوهای مداخله‌جویانه دشمن خواهد بود و دست برتر ایران را در تثبیت موازنه‌های نوین، میدانی و راهبردی به شکلی برگشت‌ناپذیر رقم خواهد‌زد.

